

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان  
برگردان از: سیلویا بیژنیان - Sylvia Bejianian  
۰۴ اگست ۲۰۱۸



## شامگاه یک جنگ

چنانچه جنگ سوریه را تنها به صورت یک واقعه منطقه‌ئی در نظر نگیریم و آن را به چشم بحرانی جهانی که یک ربع قرن در جریان بوده است تصور کنیم ، هم اکنون نتایج پایان گرفتن آن می تواند سرآغاز خصومت های نوینی گردد. پایان آن برابر است با از میان برداشتن یک ایدئولوژی ، که همان موضوع جهانی شدن و کاپیتالیسم مالی است . ملت هائی که این موضوع را درک نکرده اند ، به خصوص در اروپای غربی ، خود را تافته جدا بافته از این جهان می پندارند .

ولترشیکه / دمشق (سوریه) / ۳ اگست ۲۰۱۸



دونالد ترمپ و ولادیمیر پوتین به هنگام جلسه دوجانبه در هلسینکی ، ۱۶ ماه جولای ۲۰۱۸

جنگ های جهانی با وجود یک طرف پیروز و یک طرف مغلوب پایان نمی گیرند . پایان آنها ، با ترسیم مرزبندی های جدیدی در جهان همراه است .

در جنگ اول جهانی ، با شکست امپراتوری المان ، روسیه ، اتریش و مجارستان و عثمانی همراه بوده و بحران و خصومت ها با تشکیل سازمانی جهانی پایان گرفت ، سازمان ملت ها (اس دی ان) که مأمور پایان دادن به دیپلماسی پنهانی بود می بایستی با داوری ، هر بحرانی را میان اعضای خود حل کند .

در جنگ دوم جهانی ، با پیروزی اتحاد جماهیر شوروی بر رایش نازی و امپراتوری نیپون جاپان هاگو ایشی او پایان گرفت ، که هم زمان با آن رقابت متحدان برای تسخیر بازمانده متفقان آغاز گردید . این موضوع سبب ایجاد سازمان نوینی گردید که به ملل متحد معروف شد ، که مسئولیت جلوگیری از جنگ های جدید و عملی سازی عدالت بین المللی را با کمک دو عنصر قانون گذار بر عهده داشت : جلسه عمومی که در آن هر دولتی رأی خود را داشت - بدون در نظر گرفتن مساحت و قدرت آن - همچنین شورای امنیت که با اتفاق پنج دولت پیروز اصلی جنگ تشکیل شد . جنگ سرد ، جنگ سوم جهانی نبود و با انحلال اتحاد جماهیر شوروی پایان نگرفت ، بلکه تمام عناصر تشکیل دهنده این جنگ بر سر خودش فرو ریخت . به دنبال این فرو پاشی، تشکیلات جدیدی به وجود نیامد، بلکه دولت های درون اتحاد جماهیر شوروی به طور مستقل وارد ملل متحد شدند .

جنگ سوم جهانی از یوگسلاوی آغاز گردید ، و ادامه آن در افغانستان و عراق و گرجستان ، و لیبیا و یمن و در پایان سوریه اتفاق افتاد . میدان رزم بالکان و قفقاز بود که هم اکنون آن را (خاور میانه بزرگ) می نامند . این به بهای جان تعداد کثیری از جماعت مسلمان و مسیحی ارتدکس منطقه تمام شد و به سمت جهان غرب گسترش نیافت . و پس از جلسه میان پوتین و ترمپ در هلسینکی ، به یک نتیجه گیری کلی انجامید .

تحولات عمیق که در این ۲۶ سال گذشته جهان را تغییر داده اند، بخشی از قدرت دولت ها را به سوی عوامل دیگری هدایت کردند ، که عوامل مدیریتی ، خصوصی سازی و به عکس بوده است . به طور مثال ، می توان از داعش یاد کرد که خود را دولتی مستقل می خواند و دارای ارتشی منحصر به خود بوده است . همچنین جنرال پترائوس، از زمانی که رئیس سازمان سیا گردید، توانست بزرگترین شبکه قاچاق اسلحه تاریخ را ترتیب دهد و این شبکه را حتا پس از اعلام کنار گیری خود ، به صورت سازمانی خصوصی ادامه دهد که آن بنیاد انتفاعی (ک ک ار) می باشد این وضعیت را می توان به صورت برخورد میان طبقه حاکمه چند ملیتی از یک سو ، و دولت های مسؤول در برابر ملت های خود از سوی دیگر، نامید .

به عکس تبلیغاتی که وجود جنگ ها را به شرایط خاص موجود نسبت می دهد ، این جنگ ها میان رقبائی اتفاق می افتد که دارای بلند پروازی های عمیق و کهنی می باشند . دولت ها ، با گذشت سالیانی طولانی علیه یکدیگر قیام می کنند و تنها با مرور زمان می توانیم دلیل وجود این بحران ها را دریابیم .

به طور مثال ، امروز اکثریت مردم می دانند که علت محاصره منچوری (چین در سال ۱۹۳۱ توسط جاپان چه بوده است) . هم اینطور علت تصرف چکوسلواکی توسط المان در سال ۱۹۳۸. و این دو موضوع ، ایدئولوژی نژادپرستانه ای که در طی جنگ دوم جهانی رخ داد را روشن می کند . همچنین ، هنوز خیلی ها علت جنگ بوسنی - هرزگووین را در سال ۱۹۹۲ درک نکرده اند و نمی دانند که این اتحاد میان سازمان ناتو و اسلام سیاسی بوده است که برای نابود سازی جهان اسلام طراحی شده بود [۱].

امروزه ، با وجود فعالیت های خبرنگاران و تاریخ دانان ، بسیاری متوجه توطئه حاکم که ما قربانیان آن بوده ایم نشده اند . آنها نمی توانند بپذیرند که سازمان ناتو می خواهد با در هم ریختن عربستان سعودی و ایران ، در اروپا اقداماتی انجام دهد . این موضوع را نمی توان منکر شد [۲].

حتا ، برخی حاضر به پذیرفتن این مطلب نمی باشند که القاعده ، که متهم ردیف اول حادثه یازده سپتمبر در امریکا بوده است ، به دستور این سازمان در لیبیا و سوریه عملیاتی را انجام می داده . این موضوع نیز قابل انکار نیست [۳] طرح اولیه ، ایجاد بحران میان جهان اسلام و جهان مسیحی ارتدکس بوده است ، اما در میان راه مسیر خود را تغییر می دهد . و جنگ میان "تمدن ها" اتفاق نمی افتاد . بلکه ایران شیعه مذهب ، علیه سازمان ناتو قیام می کند، در حالی که در یوگسلاوی در حال جنگ است و به روسیه ارتدکس مسیحی می پیوندد ، تا سوریه را از بحران مذهبی نجات دهد . ما باید چشمانمان را بگشائیم تا تاریخ را دریابیم ، و خود را در سپیده دم سیستم جدید جهانی قرار دهیم ، که در آن برخی از دوستان گذشته ، به صورت دشمنان فعلی درآمده اند و به عکس .

در هلسینکی ، ایالات متحده با روسیه پیمانی را نیست . بلکه این کاخ سفید بود . چرا که دشمنان مشترک آنان ، یک گروه چند ملیتی بودند که بر ایالات متحده حکومت می کنند . با توجه به این که این گروه چند ملیتی در ایالات متحده نماینده این کشور است و نه رئیس جمهور منتخب مردم و به همین علت نیز پیوسته پرزیدنت ترمپ را متهم و انگشت نما می کند .

این گروه چند ملیتی توانسته به عموم مردم جهان این تفکر را القاء کند که ایدئولوژی ها در این جهان مرده اند و تاریخ به پایان راه خود رسیده است . آنها موضوع جهانی شدن را طرح کرده اند، که حاکمیت آنگلساکسون ها بر جهان از طریق زبان و نحوه زندگی امریکائی است، درست همانند نتایج تحولات تکنولوژیک و حمل و نقل و روابط عمومی . این گروه به ما اطمینان خاطر داده است که یک سیستم سیاسی واحد، برای کل جهان الگو می باشد، که آن دموکراسی است (به مفهوم حکومت مردم، توسط مردم برای مردم) . و می توان این الگو را به زور به همه تحمیل نمود . در خاتمه نشان داده که انتقال آزاد انسان ها و سرمایه ها ، راه حل تمام مشکلات از جمله کار بیدی و سرمایه گذاری است . این ادعا که ما به طور روزمره پذیرفته ایم ، نمی تواند حتی یک دقیقه در برابر تفکر مقاومت کند .

در پشت این لاف ها و دروغ ها ، این گروه چند ملیتی به طور سیستماتیک توانسته حکومت دولت ها را فرسوده سازد و تمامی ثروت ها را به دست بگیرد .

طرف های پیروز این جنگ طولانی ، به عکس از این عقیده پیروی می کنند که برای به دست گرفتن سرنوشت ، انسان ها باید به صورت سازمان مللی جمع شوند که به لحاظ سرزمین ، تاریخ و پروژه مشترک باشد . و در نتیجه ، می توانند اقتصاد ملی را در برابر پول سازمان های چند ملیتی حفظ نمایند .

ما شاهد جام جهانی فوتبال بودیم . و چنانچه ایدئولوژی جهانی شدن پیروز می شد ، ما نه تنها از تیم ملی خود می بایستی حمایت می کردیم ، بلکه از تیم بقیه کشور ها نیز با توجه به ساختار و ظاهر فوق ملی مشترک حمایت می کردیم . به طور مثال ، بلجیمی ها و فرانسوی ها به طور هم زمان با تکان دادن پرچم های اتحادیه اروپا این کار را می کردند . اما هیچ کس حتما تصور این موضوع را نمی کرد . همین امر نشان می دهد که چه گودالی میان تبلیغاتی که ما به طور روزمره تکرار می کنیم ، و رفتار واکنشی ما وجود دارد . به عکس ظواهر موجود ، و پیروزی ظاهری جهانی شدن ، نتوانسته بر وجود و رفتار ما تأثیری داشته باشد .

این تنها یک حادثه نیست که در سوریه که دولتی هزاران سال پیش در آن شکل گرفت ، محلی است که این جنگ جهانی خاتمه می یابد . در سوریه ، دولتی واقعی وجود داشت که پیوسته در حال عمل بود و ملت و ارتش و رئیس جمهور آن

توانستند در برابر این اتحاد غول آسای جهانی تاریخ مقاومت کنند : اتحادی که از سوی ۱۱۴ دولت عضو ملل متحد به وجود آمده بود .

[۱] «میلیاردها دالر جنگ افزار علیه سوریه» بوسیله ی تی پری میسان, ترجمه حمید محوی, شبکه ولتر, ۲۲ جولای ۲۰۱۷, [www.voltairenet.org/article1...](http://www.voltairenet.org/article1...)

[۲] Richard Labévière, Grasset, *Les Dollars de la terreur : Les États-Unis et les islamistes* [۲] 1999.

[۳] *Wie der Dschihad nach Europa kam. Gotteskrieger und Geheimdienste auf dem Balkan* [۳] Jürgen Elsässer, Kai Homilius Verlag, 2006